

خبر

امیرحسین مدرس:

سال‌هاست از کار تصویر فاصله گرفته‌ام

امیرحسین مدرس درباره برنامه‌های جدید رادیو صبا که در آنها برای مخاطبان قصه‌گویی می‌کند توضیحاتی بیان کرد. او که به گفته خود سال‌هاست از کار تصویر فاصله گرفته است، این روزها مشغول ساخت دو برنامه به عنوان «مشتاق دیدار» و «این مردم نازنین» در رادیو است.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی رادیو صبا، امیرحسین مدرس داستان‌های متنوعی را برای شنوندگان «رادیو صبا» روایت کرده است؛ از داستان‌های کوتاه طنز «قدت پارسی» تا روایت داستان‌های روزهای بلند تابستان و عاشقانه‌های پاییزی در دفترهای فصلی رادیو صبا و روایت داستان‌های تاریخی در دفتر سرخ و دفتر هشت برگ، تا اینکه روایت داستان‌هایش «به توان هفت» رسید. «مشتاق دیدار» و «این مردم نازنین» برنامه‌های جدیدی از رادیو صبا هستند که مدرس در آن برای مخاطبان به روایت داستان‌های عامیانه می‌پردازد.

مدرس در توضیح این برنامه‌ها بیان کرد: «مشتاق دیدار» روایت دلننگی مردم برای دیدار یکدیگر است. دیدار دوست، فرزند، همکار و هر آشنای دوری و «این مردم نازنین» داستان روزهای جمعه مردم است. مدرس در ادامه بیان کرد داستان های این برنامه ها از آن جنس روایت‌هایی هستند که مردم دوست دارند.

وی افزود: من شخصاً به این گونه برنامه‌ها علاقه مند هستم، چون هم شیوه روایی دارند و هم برگرفته شده از متن زندگی مردم است. مخاطب هم اگر شنونده دائمی این برنامه باشد طبعاً با آن همذات پنداری می‌کند. در این برنامه‌ها صمیمیتی که در متن است و شباهتی که با زندگی روزمره همه ما دارد مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد و به راحتی ارتباط نزدیکی با آن برقرار می‌کنند.

مجری و بازیگر باسابقه رادیو معتقد است: ارتباط رادیو با مخاطب یک رابطه صمیمانه است و شنوندگان دوست دارند داستان‌های خود را از رادیو بشنوند. زمانی که یک شنونده داستانی آشنا را از رادیو می‌شنود که بسیار شبیه زندگی روزانه او است، به دور از تجمل و تخیل و ظاهرسازی ارتباطش با این رسانه صمیمی‌تر می‌شود و بیشتر احساس نزدیکی می‌کند.

«پیغام گیر» عنوان یکی از آیت‌م‌های برنامه «این مردم نازنین» است که در آن امیرحسین مدرس با یکی از دوستان و آشنایان تماس می‌گیرد تا آخرین لحظات تعطیلات را با هم بگذرانند، مدرس درباره روزهای جمعه خود گفت: چون بسیار پرمشغله هستم، البته نه کار تصویر و از سال ۹۶ کار تصویری را کنار گذاشتم، بیشتر درگیر پژوهش و تصحیح نسخه‌های خطی و انتشار آنها هستم.

در پایان گوینده برنامه از «مشتاق دیدار» برای دیدار دوستان قدیمی ابراز دل‌نگی کرد و گفت: بسیار مشتاق دیدار دوستان قدیمی در همان حال و هوا خاطره‌انگیز گذشته هستم، اگرچه امروزه ارتباطات بسیار گسترده‌تر شده است و ما می‌توانیم با تلفن و یا تماس تصویری به راحتی با دوستانمان ارتباط برقرار کنیم ولی به نظر من این ارتباطات هرگز جایگزین دیدار رخ به رخ و صرف یک چای در کنار هم نمی‌شود.

«مشتاق دیدار» روزهای شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه به تهیه‌کنندگی مرگان فرزین و با اجرای امیرحسین مدرس پخش می‌شود. برنامه «این مردم نازنین» هم روزهای جمعه ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه راهی آنتن رادیو صبا می‌شود.



به گزارش خبرنگاران، کودکان نیاز به برنامه‌های مناسب سنشان دارند، اما این نیاز تأمین نمی‌شود. کودکان امروز با کودکان دیروز متفاوت شده‌اند، اما همچنان در تلویزیون و سینما برنامه‌سازی برای این رده سنی با معیارهای گذشته طراحی و ساخته می‌شود یا اصلاً محتوایی در سینما و تلویزیون برای آن‌ها ساخته نمی‌شود. برنامه‌سازی برای کودکان به دلیل نقش آنها در جامعه باید جدی گرفته شود، اما زمانی که این برنامه‌ها با دمدستی‌ترین شکل ممکن ساخته می‌شود چه تأثیری در جذب و آموزش کودک دارد؟ اگر برنامه‌سازان نتوانند کودکان و دنیای آنها را بشناسند چه اتفاقی می‌افتد؟

یکی از نتایجش از دست رفتن مخاطب است، نتیجه‌ای که کمابیش شاهدش هستیم و دیدیم که این روزها کودکان مانند سابق برنامه‌های مخصوص خود را از تلویزیون ایران دنبال نمی‌کنند. گویی برنامه‌سازان و کودکان دو خطی هستند که به تدریج از یکدیگر دور و دورتر می‌شوند.

در گام اول یک مسئله را بررسی کنیم آثار حوزه کودک دو دسته هستند؛ محتواهایی که درباره کودکان ساخته می‌شود و محتواهایی که برای کودکان ساخته می‌شود، این دو مسئله کاملاً با یکدیگر متفاوت است، مثلاً نگاهی به آمار تولید در حوزه کودک بیندازیم؛ سهم تولیدات آثار برای کودکان و نوجوانان در طول ده سال گذشته ۶۴ عدد بوده یعنی حدود یک چهاردهم کل تولیدات و مسئله جالب‌تر سهم کم انیمیشن در ایران است، اینکه در ده سال گذشته و از میان این ۶۴ اثر فقط ۱۵ اثر به انیمیشن تعلق دارد و از میان همین ۱۵ اثر هم ۹ عنوان برنده جوایز خارجی شدند و اکران خارجی نیز داشتند.

به آثار تولید شده در سال‌های متفاوت هم یک نگاهی بیندازیم؛ در سال ۱۳۹۱ هفت اثر، ۱۳۹۲ دو اثر، ۱۳۹۳ پنج اثر، ۱۳۹۴ شش اثر، ۱۳۹۵ هشت اثر، ۱۳۹۶ هفت اثر، ۱۳۹۷ یازده اثر، ۱۳۹۸ شش اثر، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ تنها یک اثر مخصوص کودکان تولید شد، ۱۴۰۱ شش اثر و ۱۴۰۲ یک اثر تولید شده است.

در این میان اما انیمیشن «بچه زرنگ» فروش ۳۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان را برای خود ثبت کرده است و به این ترتیب در یک ماه و نیم در جایگاه چهارم فروش گیشه نشسته است و به همین بهانه به‌گفت‌وگو با حامد جعفری، تهیه‌کننده این انیمیشن پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

● جایگاه انیمیشن در سینمای ایران کجاست؟
● بخش مهمی از صنعت سینما، انیمیشن است. در همه جای دنیا وقتی سینما را نگاه می‌کنیم در ۱۰ کار پرفروش سال، یا در یک تاریخ یا دوره زمانی، انیمیشن‌ها دیده می‌شوند. ولیکن در کشورما تقریباً می‌توان گفت متشاقنه کودک و نوجوان به‌عنوان شهروند درجه دو شناخته می‌شود و خیلی به صنعت انیمیشن و سینمای کودک که از قضا بخش مهمی از سینما هم هست توجه جدی نشان نمی‌دهیم. اگر رصد کنیم هم جشنواره فیلم کودک و نوجوان هم خیلی مورد توجه یا مورد استقبال سینماگران کشور قرار نمی‌گیرد و توجه‌شان بیشتر به جشنواره‌هایی است که مربوط به حوزه بزرگ‌سالان در حال اکران است. درحالی‌که طبق آمارهای سرشماری انجام شده در کشور حدود یک چهارم جمعیت کشور یا ۲۵ درصد آن بچه‌های زیر ۱۵ سال هستند. کوچک سالانی که در حال طی کردن دوران کودکی‌تا اوایل نوجوانی هستند و در حقیقت باید برای این بخش مهم جامعه هم در کشور خوراک فکری تهیه شود.

باید در سینماها برای آن‌ها کار انجام شود. وقتی بزرگ‌سالان در حال اکران اراده می‌کنند برای ژانر مورد پسندش به سینما برود، بین چندساعت تا نهایتاً چند هفته بعد می‌تواند فیلم مورد نظرش را در سینما تماشا کند، چون معمولاً یا ژانر مورد علاقه بزرگسالان الان در حال اکران است یا حداکثر طی چند هفته اکران خواهد شد. ولی وقتی سراغ ژانر کودک و نوجوان می‌رویم می‌بینیم که سالی یک یا دو اثر جدی برای مخاطب کودک و نوجوان وجود دارد. این سهمی که سینمای کودک از سینمای ایران دارد؛ در واقع نشان‌دهنده این است که فهم دقیقی از اهمیت سینمای کودک و نوجوان در کشور شکل نگرفته است.

متأسفانه همین محصولات کودک و نوجوان هم گاهی دچار اختلال می‌شود و بعضاً کارهایی ساخته می‌شوند که به عنوان فیلم کودک معرفی می‌شوند ولی درباره کودکان هستند نه برای مخاطب کودک و در بعضی مواقع هم کارهایی ساخته می‌شود که برای کودک و نوجوان هستند اما شاید استانداردهایی که مربوط به حوزه کودک و نوجوان است در آن رعایت نشده است. حوزه کودک و نوجوان، در همه جای دنیا و نه فقط در کشورما یک سری خطوط قرمز جدی و غیرقابل اجتناب وجود دارد. مثال می‌زنم؛ ما در دوره‌ای در

دیزنی با سینمای ایران چه تفاوت‌هایی دارد؟

کودک و نوجوان شهروند درجه دو سینما

حامد جعفری معتقد است در کشورما تقریباً می‌توان گفت متأسفانه کودک و نوجوان به‌عنوان شهروند درجه دو شناخته می‌شود و خیلی به صنعت انیمیشن و سینمای کودک که از قضا بخش مهمی از سینما هم هست توجه جدی نشان نمی‌دهیم.



یک استودیوی شناخته شده‌ای در خارج از ایران یکی از کارهایمان را نمایش می‌دادیم و اتفاقاً خیلی هم مورد استقبال قرار گرفت و همه گفتند چقدر کار جذابی است و حتی اعلام کردند که دوست دارند رایت آن اثر را را داشته باشند ولی وقتی به دقیقه سه و چهار اثر رسید ناگهان گفتند اخ، ما نمی‌توانیم این اثر را نمایش دهیم، ما پرسیدیم که چرا؟ گفتند که: «خوب این کار برای مخاطب خردسال است و نمایش دادن جسم تیز دست کاراکتر اصلی قصه برای گروه خردسال ممنوع است.»

● یعنی تا این اندازه چارچوب‌های دقیق و مشخص شده برای محصولات کودکان دارند، ما هم داریم؟
● بله تا این اندازه چارچوب و قاعده دقیق و مشخص دارند و به شدت هم به این چارچوب و قاعده پایبند هستند ولی از طرف دیگر ما با این مواجهیم که در این‌جا بعضی کارهایی ساخته می‌شوند که نسبت به بدیهیات و مفاهیم اولیه مثل این‌که برای بچه‌هایمان بدآموزی نداشته نیستند، چارچوب‌های درستی رعایت نمی‌شود.

بعضی وقت‌ها به این فکر می‌کنم که انگار ما به مختصات سینمای کودک و نوجوان اساساً دقت نمی‌کنیم و اگر یک قدم کوچک هم در این حوزه بر می‌داریم فقط می‌خواهیم یک رفع تکلیف انجام دهیم. به نظرم همه این‌ها باعث شده است که حالا سینمای کودک و نوجوان سهم به سزایی از جهت تعداد در سینمای کشور نداشته باشد. چیز دیگری که به نظرم می‌رسد این است که ضعف سیاست‌گذاری فرهنگی است، یعنی عملاً سیاست‌های فرهنگی کشور منجر به تولید یا اقدام ویژه‌ای در حوزه انیمیشن یا سینمای کودک نشده است. اما با همه این اوصاف وقتی یک انیمیشن ساخته شده این حوزه عرض می‌شود، می‌بینیم که جایگاه و سهمی از بازار پیدا می‌کند و خوب می‌فهمیم که آن چیزی که جایش در کشور خالی است سیاست‌گذاری فرهنگی یا نوع جهت دهمی فرهنگی در این حوزه است، لذا نتیجه این است که ما در سال‌های اخیر دو تا انیمیشن سینمایی با فیلم کودک داریم که به لحاظ حجم و تعداد اگر مقایسه کنیم درصد پایینی از فیلم‌های اکران شده و این یعنی عدم توجه سیاست‌های فرهنگی کشور به این حوزه.

● در ۱۰ سال گذشته فقط ۱۵ انیمیشن ایرانی ساخته شده به‌نظرتان علت آن چیست، البته بخشی از جواب این سوال را در سوال قبلی گرفتیم اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که انیمیشن ایران در سینمای جهان چه جایگاهی دارد؟ به‌عنوان مثال اسمال شرکت دیزنی به مناسبت صد سالگی‌اش یک انیمیشن از مجموعه انیمیشن‌هایش ساخت و محورش هم ستاره آرزوست؛ این کمپانی به قدری پرقدرت ظاهرشده که بعد از صد سال توانسته چنین چیزی را

تحویل مخاطب جهانی‌اش بدهد؛ آیا با این وجود انیمیشن ایران می‌تواند جایی در سینمای انیمیشن جهان داشته باشد؟
● اگر ما بخواهیم جایگاه انیمیشن را از جهت صنعت بررسی کنیم خروجی و برآیند همه شاخص‌ها می‌شود، اقتصاد این صنعت. وقتی من سینمای کشورمان را بررسی می‌کنم و می‌گویم که انیمیشن، جایگاهی در سینمای ایران ندارد یعنی چراکه حجم کمی از بازار سینمای کشور ما را فیلم‌های کودک تشکیل می‌دهند. حجم بازار انیمیشن در دنیا حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است و با این‌که یک درصد جمعیت دنیا، یک درصد وسعت این جهان و بیش از یک درصد منابع دنیا متعلق به کشور ماست اما با همه این دارایی‌ها، متأسفانه سهم کشور ما در صنایع مختلف در جهان از جمله صنعت انیمیشن، حتی نزدیک یک درصد هم نیست. البته در سال‌های اخیر به واسطه این‌که رشد چشم‌گیری در حوزه نرخ دلار وجود داشته، باعث شده که بخش عمده‌ای از استودیوهای داخل کشور به سمت ارائه سرویس به استودیوهای خارجی بروند تا خلق تولیدات داخلی. ببینید در دنیا دو دسته استودیو وجود دارد استودیوهایی که انیمیشن را به عنوان یک خدمت یا یک سرویس ارائه می‌کنند و سرمایه‌گذار و مالک و خالق اثر شخصی دیگری است و استودیوها فقط سرویس‌دهنده بخشی از فرایند ساخت یا عملیات تولید هستند. این استودیوها اصطلاح «سرویس پرودایدر» هستند اما دسته دوم استودیوهای «آئی پی جنتریورا» هستند که آن‌ها درصد کمی از کمیانه‌های انیمیشن‌سازیر در دنیا را تشکیل می‌دهند و شاید چیزی زیر ۱۰ درصد از استودیوهای یک جهان وجود دارند استودیوهای خالق یا مولف یا «آئی پی جنتریور» باشند. در کشور ما هم به‌خاطر وضعیت اقتصادی، فضا به این سمت رفته که حجم زیادی از استودیوها و کسانی که در این حوزه کار می‌کنند به سمت ارائه سرویس و خدمات بروند و سهم استدیوها و کمیانه‌های مولف و خالق خیلی قابل کم است. لذا به نظر من، آن چیزی که جایگاه ما را در دنیا تعیین می‌کند، گذر از حوزه سرویس و حرکت به سمت تالیف و خلق است.

● الان وضعیت سینمای ایران امروز است که تمام تهیه‌کنندهها و عوامل فیلم‌ها می‌گویند فروششان قدری است که نهایتاً بتواند به هزینه‌های اولیه پاسخ دهد، موضوع فروش برای انیمیشن‌ساز چطور است آیا از طریق فروش، هزینه‌هایش را جبران می‌شود؟

● من درمورد انیمیشن‌های سینمایی، صرفاً درباره هزینه و درآمد پروژه‌های گروه «هنر پویا» می‌توانم صحبت کنم چون در مورد آنها اطلاعات دقیق‌تری دارم ولی در سینمای ژانل می‌دانیم و بارها آمارها نشان داده‌اند که شاید در سال ۵درصد فیلم‌ها به موفقیت اقتصادی می‌رسند ساخته می‌شود. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، پس از اینکه استودیوی مستقل «آ۲۴» سرانجام توانست حقوق کتاب زندگی‌نامه «ایلان ماسک»کارآفرین میلیاردر حوزه فناوری نوشته «والتر ایزاکسون» را به دست آورد، حالا «دارن آرنوفسکی» کارگردان نامزد براری این اقتباس سینمایی انتخاب شده است.

«ایزاکسون» رئیس سابق و مدیر عامل CNN، نویسنده مجموعه‌ای از بیوگرافی‌ها از جمله «هنری کیسینجر»، «بنجامین فرانکلین» و «انیششتین» است. بیوگرافی پرفروش او در سال ۲۰۱۱ از «استیو جابز»، مدیر عامل اپل، در فیلم زندگی‌نامه ای با همین عنوان در سال ۲۰۱۵ با بازی «مایکل فاسبندر» و «کیت وینسلت» با فیلمنامه‌ای از «آرون سورکین» و کارگردانی «دنی بویل» اقتباس شد.

«دارن آرنوفسکی» اخیراً فیلم «هنگ» را با بازی «برندان فریزر» را کارگردانی کرده که «فریزر» برای بازی در این فیلم برنده اسکار بهترین بازیگر مرد شد و خود «آرنوفسکی» نیز پیش از این برای ساخت درام سپاه «قوی سپاه» با بازی «تاتی پورتمن» و «وونسان کسل» نامزد اسکار بهترین کارگردانی شد.

«ایلان ماسک» ۵۲ ساله، در آفریقای جنوبی به دنیا آمد و بزرگ شد و به گفته ایزاکسون، از سوی پدرش از «شکنجه روحی» رنج میبرد. ماسک مدیرعامل و مدیر

فرهنگ و هنر

اخبار

شکایت جنجالی تلویزیون از مهران مدیری به نفع کیست؟



شکایت سازمان صداوسیما برای دریافت مبلغ آگهی مسابقه «دوره‌می» از مجری این برنامه، می‌تواند در نوع تعامل رسانه با چهره‌ها مؤثر باشد.

به گزارش ایسنا، چهارشنبه ۱۷ آبان ماه بود که مسعود ستایشی (سخنگوی قوه قضائیه) در نشست خبری هفتگی خود ادعای تهیه‌کننده مسابقه «دوره‌می» مبنی بر شکایت سازمان صداوسیما از مهران مدیری را تأیید کرد و گفت: سازمان صداوسیما به طریقت شرکت همراه رسانه دادخواستی را تقدیم دادگاه کرده و خواسته‌اش مطالبه وجه قراردادی بوده و دادگاه هم در حال رسیدگی به این پرونده است.

شکایت رسانه ملی از مهران مدیری بابت پخش نشدن ۴۵ قسمت باقی‌مانده مسابقه «دوره‌می»، از جمله اتفاقات جنجالی یک سال اخیر تلویزیون است که بر اساس اخبار منتشر شده، طی سال‌های اخیر کمتر مورد مشابه داشته است.

موضوع درباره چهرهای اتفاق افتاده که یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های یک دهه اخیر را اجرا می‌کرد و طبعاً رقم چشمگیری از آگهی‌های قبل، میان و بعد از آن به تلویزیون می‌رسید. بنابراین وجه درخواست‌شده رسانه ملی از مدیری طبق شکایت. که اعلام نشده. رقم بالایی است.

اما این شکایت چه به محکومیت مدیری برای پرداخت رقم مورد درخواست برسد و چه رد شود، می‌تواند در شکل همکاری سازمان صداوسیما با دیگر چهره‌ها هم تأثیرگذار باشد؛ خصوصاً آنها که بدون در نظر گرفتن جایگاه حقوقی خود در رسانه ملی، گاه به اظهارنظرهای خاص سیاسی- اجتماعی می‌پردازند.

به نظر می‌رسد یکی از اهداف اصلی مدیران رسانه ملی در طرح این شکایت، ایجاد بازآرندگی برای انجام این‌گونه اظهارنظرها و کنش‌های سیاسی باشد.

این شکایت البته نتیجه احتمالی دیگری نیز می‌تواند داشته باشد. در شرایطی که تلویزیون در سال‌های اخیر با کاهش حضور چهره‌های هنری و رسانه‌ای محبوب روی آنتن مواجه است و همین اتفاق، در برقراری ارتباط برنامه‌ها و سریال‌ها با مخاطبان ایتالزا نیز ایجاد کرده، این شکایت می‌تواند در حضور مجدد چهره‌ها در صداوسیما تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر سلب‌ریتی‌هایی که به اظهارنظرهای خرساز سیاسی - اجتماعی عادت یا علاقه دارند، در چنین شرایطی ممکن است برای انعقاد قرارداد با سازمان صداوسیما دچار تردید شده یا حتی قید آن برزنند.

این اتفاق خصوصاً برای سینماگرانی مانند محسن تائبنده سرپرست نویسندگان و بازیگر اصلی سریال «پایتخت» که این روزها صحبت از تولید فصل هفتم آن شنیده می‌شود، محتمل خواهد بود.

باید دید سرانجام طرح شکایت حقوقی سازمان صداوسیما از مهران مدیری بابت پخش نشدن مسابقه «دوره‌می»، به کجا خواهد رسید و آیا به توافق طرفین، ماجرا ختم به خیر خواهد شد جنجالی‌اش در سال گذشته، ویدیویی را در توضیح بحث‌اش منتشر کرد و به نوعی برخی از آن‌ها را پس گرفت.

بازگشت صابر ابر به صحنه تئاتر

صابر ابر بازیگر و کارگردان تئاتر پس از گذشت ۵ سال، با نمایش «امشب به صرف بورش و خون» نوشته مهدی یزدانی‌خرم به صحنه تئاتر بازمی‌گردد.

به گزارش ایسنا، صابر ابر «امشب به صرف بورش و خون» را که توسط مهدی یزدانی‌خرم با نگاهی به رمان «نازنین» شاهکار فؤدور داستایوفسکی اقتباس شده است، روی صحنه می‌برد.

«نازنین» با ترجمه پلدا یبدختی‌نژاد توسط نشر چشمه به چاپ رسیده است و یکی از شناخته‌شده‌ترین آثار نویسنده تاریخ‌ساز روس محسوب می‌شود که در سال ۱۸۷۶ در اوج پختگی و ۵ سال قبل از مرگش، آن را نوشت. صابر ابر در «امشب به صرف بورش و خون» در مقام بازیگر و طراح حضور دارد و امیرسپهر تقی‌لو مجری طرح این نمایش است. اطلاعات تکمیلی اعم از تاریخ و مکان اجرا و همچنین عوامل «امشب به صرف بورش و خون» به زودی اعلام می‌شود.



ارشد شرکت فناوری «SpaceX» و رئیس و مدیر ارشد شبکه اجتماعی X (توییتر سابق) است. او همچنین مدیرعامل شرکت خودروسازی تسلاست، اما پس از یک سری پست‌های گمراه‌کننده در رسانه‌های اجتماعی، در سال ۲۰۱۸ از یک معامله با قانون‌گذاران مالی ایالات متحده، جریمه‌شد و مجبور به کناره‌گیری از سمت رئیس هیات‌مدیره این کمپانی شد. ماسک در حال حاضر با دارایی خالص ۲۳۳.۸ میلیارد دلار (۱۸۳.۲ میلیارد پوند) در رتبه اول فهرست میلیاردرهای فوربس قرار دارد.